

## سپر دفاع موشکی؛ ایده‌های احمقانه یا هدفی عاقلانه؟

سرویس روسیه/آران نیوز  
 نویسنده: \*ترجمه: / روزنامه هم میهن‌آران نیوز/سرویس یادداشت/روسیه: جورج دبلیو بوش مصرانه در پی ایجاد آن چیزی است که خود از آن تحت عنوان سپر دفاع موشکی در جمهوری چک و لهستان یاد می‌کند. با این حال تعداد اندکی وجود دارند که فکر می‌کنند این طرح، طرحی عاقلانه است در حالی که به نظر می‌رسد حکومت‌های چک و لهستان مشتاقانه از این ایده حمایت می‌کنند، نظرسنجی‌های افکار عمومی که در این کشورها صورت گرفته نشان می‌دهد مردم این دو کشور به شدت با این طرح مخالفند. همچنین روس‌ها آشکارا این طرح را محکوم کرده‌اند و آلمان نیز به گونه‌ای بی‌سروصدا تر با این طرح مخالفت کرده است. ایران نیز نسبت به این طرح کاملاً بی‌تفاوت بوده است و جوزف کرین‌کیون که سال‌ها حرفه اصلی‌اش تلاش در جهت مبارزه با تکثیر سلاح‌های اتمی بوده، می‌گوید: بوش در پی «کاربرد تکنولوژی‌ای است که در مقابل تهدیدی که وجود ندارد کارایی نخواهد داشت.»

بنابراین با توجه به موارد بالا آیا این طرح، طرحی است کاملاً احمقانه و مدرک دیگری است مصدق این ادعا که رژیم بوش رژیمی است غیرعقلانی و نه‌چندان زیرک؟ من چنین فکر نمی‌کنم. به اعتقاد من، هدفی عقلانی پشت همه این امور وجود دارد و این هدف، هدفی است که تاکنون کاملاً از دیده‌ها پنهان مانده است. ابتدا با آنچه آشکار در توجیه و همچنین رد این ایده مطرح شد آغاز می‌کنم. بوش اظهار داشته که هدف ایالات متحده از اجرای این طرح جلوگیری از حمله‌ای اتمی است که از جانب یک دولت سرکش اروپا و نهایتاً حتی ایالات متحده را تهدید می‌کند. در مقابل روس‌ها اظهار داشته‌اند که هدف اصلی و واقعی این به اصطلاح سپر دفاع موشکی روسیه است و بنابراین روس‌ها نه تنها نسبت به این طرح اعتراض خواهند کرد بلکه به طور متقابل به استقرار موشک‌هایی که به سوی اروپا جهت‌گیری شده اقدام خواهند کرد. از سوی دیگر دولت‌های چک و لهستان در واقع از بابت تهران نگرانی چندانی ندارند، بلکه به نظر می‌رسد تصور می‌کنند تهدیدی از جانب روس‌ها متوجه آنهاست و بیشتر از روس‌ها احساس خطر می‌کنند تا ایران، بنابراین علت این امر که آنها از این طرح مشتاقانه حمایت می‌کنند این است که آنها نیز همچون خود روس‌ها تصور می‌کنند هدف اصلی این طرح روسیه است. در واقع، این دیدگاه آلمان هم هست هرچند نه به طور آشکار و به احتمال زیاد سایر حکومت‌های اروپای غربی هم این دیدگاه و تصور را که هدف این طرح روسیه است پذیرفته‌اند. از سوی دیگر جورج دبلیو بوش تاکید کرده این تصور که هدف این طرح روسیه است؛ تصوری نادرست خواهد بود، او همچنین تاکید کرده که روس‌ها دوستان ما هستند و آمریکا به هیچ‌وجه قصد تهدید کردن آنها را ندارد. او اظهار کرده که چک و لهستان مجبور به انتخاب بین ایالات متحده و روسیه نیستند. آنها می‌توانند (و باید) با هر دو کشور دوست باشند. به اعتقاد من، به احتمال زیاد او واقعا به این گفته‌ها اعتقاد دارد. به این معنا که نه بوش و نه حتی نومحافظه‌کاران به هیچ‌وجه قصد ندارند که در قرن بیست و یکم روسیه را تبدیل به دشمن دیگری برای خود کنند. بنابراین هدف اصلی این طرح چیست؟

به اعتقاد من، دونالد رامسفلد مدت‌ها قبل گفته بود هدف اصلی این طرح چیست و قضیه از چه قرار است. به اعتقاد من، خطمشی حکومت فعلی ایالات متحده استفاده از کشورهای به اصطلاح اروپای جدید برای مهار و محدود کردن نقش سیاسی کشورهای به اصطلاح اروپای قدیم است. معنای این حرف این است که آمریکا از حکومت‌های اروپای شرقی علیه حکومت‌های اروپای غربی استفاده می‌کند. ایالات متحده و مخصوصاً رژیم بوش به هیچ‌وجه نمی‌خواهند شاهد یک اروپای قدرتمند باشند؛ اروپایی که بتواند خطمشی‌ای جدا از خطمشی ایالات متحده اتخاذ کند. به اعتقاد من، می‌توان مدعی شد که دکترین رامسفلد به طور منطقی تاکنون موفق از آب درآمده است. هدف استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی، حمایت از ایالات متحده نه در مقابل ایران و روسیه بلکه در مقابل اروپای غربی است که این خود جهت‌گیری‌های آلمان در قبال این موضوع را توضیح می‌دهد.

دوره تسلط شوروی بر اروپای شرقی، تجربه‌ای به شدت منفی برای کشورهای تابع این کشور و نیز دولت‌هایی بود که جزو اتحاد جماهیر شوروی بودند و امروز مستقل شده‌اند. مردم این کشورها هنوز در حال پشت سر گذاشتن فشارهای آن دوران هستند و هنوز ترس از آن دوران در آنها وجود دارد. نیروهای جناح راست در هر کدام از این کشورها از این ترس برای پیشبرد اهداف داخلی خود بهره می‌برند. این نیروها در حقیقت از فشارهای مستقیم نظامی و حتی سیاسی روس‌ها هراسی ندارند، بلکه آنها از این می‌ترسند که اروپای غربی با روسیه زد و بند سیاسی کرده و به این ترتیب این کشورها نتوانند تاثیر و نقش چندانی در این زدوبند داشته باشند. به اعتقاد آنها، این امر به هیچ‌وجه نامعقول نیست. در طول قرون نه‌چندان دور گذشته این زدوبندها چندین بار صورت گرفته و احتمال اینکه مجدداً این اتفاق بیفتد بعید نیست. به همین خاطر است که کشورهای اروپای شرقی علاقه‌ای وافر به ایالات متحده دارند. (این امر به وضوح در استقبال گرم و صمیمانه‌ای که از جورج دبلیو بوش در آلبانی در طول دیدار هشت ساعته خود از این کشور در 11 ژوئن به عمل آمد قابل مشاهده بود.) هدف این ابراز دوستی و علاقه به آمریکا دوگانه است؛ تضعیف اروپای غربی و ایجاد وضعیتی که در آن ایالات متحده مجبور به حمایت از اروپای شرقی باشد. این یک تاکتیک قدیمی است که کشورهای ضعیف آن را در ارتباط با کشورهای قدرتمندتر که به لحاظ ایدئولوژیک با آنها مشترک بودند به کار می‌بردند. به عنوان مثال کوبا و ویتنام از این تاکتیک در ارتباط با شوروی استفاده کردند و کره شمالی آن را در ارتباط با چین به کار برد اما این تاکتیک هم محدودیت‌های

خاص خود را دارد. پاشنه آشیل این تاکتیک این است که تداوم آن نیازمند تداوم نیاز کشور قوی‌تر (در این مورد ایالات متحده) به کشور ضعیف‌تر و تمایل آن کشور برای ادامه بازی است. در حال حاضر ایالات متحده کاملاً آماده انجام چنین کاری هست اما هنگامی که ایالات متحده از عراق خارج شود و به بازنگری در وضعیت جهانی خود برای به کارگیری قدرت و پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی مغفول مانده‌اش بپردازد. حفظ رابطه بسیار نزدیک با رژیم‌های لهستان و چک ممکن است بی‌فایده به نظر برسد و حتی این کشورها ممکن است اهمیت خود را کاملاً از دست بدهند. اگر چنین شود حکومت‌های اروپای شرقی چاره‌ای جز وابستگی اقتصادی و نظامی به قدرت‌های اروپای غربی که در حال حاضر آنها را تحقیر می‌کنند نخواهند داشت، به ویژه هنگامی که روابط مسالمت‌آمیزتر و نزدیک‌تری بین پاریس - برلین - مسکو وجود دارد، بنابراین هرچند در کوتاه‌مدت، ایجاد یک سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی خواست‌ها و منافع آمریکا و همچنین خواست‌ها و منافع حکومت‌های اروپای شرقی را تأمین می‌کند اما در درازمدت به نظر می‌رسد اروپای شرقی روی اسبی شرط‌بندی کرده که بعید است مسابقه را تا پایان ادامه دهد.

\* « » .

: انتهای پیام.